

مقدمه

یکی از رفتارهای پرخطر در دهه‌های اخیر، گرایش به مصرف مواد است. به نظر می‌رسد، نوجوانان و جوانان بیش از هر گروه سنی دیگری در معرض خطر گرایش به مصرف مواد مخدر هستند. بشیریان و همکاران (۱۳۹۱) در یک بررسی بر روی دانش‌آموزان دبیرستانی در تهران، گزارش نمودند ۱۱/۱ درصد از دانش‌آموزان سابقه مصرف سیگار، ۳/۴ درصد سابقه مصرف مواد مخدر و ۰/۱۲ درصد قصد مصرف مواد مخدر را داشتند. از سوی دیگر، گزارش‌های متعدد حاکی است تعداد معنادار ایرانی در سال ۱۳۶۵ به صورت غیررسمی، سه میلیون نفر و در حال حاضر، بیش از یک میلیون نفر می‌باشند (نجفی و همکاران، ۱۳۸۵) که این آمارها، شناسایی علل، علایم و نشانه‌های آسیب‌پذیری و گرایش به مواد مخدر را ضروری می‌نماید. براساس مدل تلفیقی بوتوین (Botvin) (۲۰۰۰)، گرایش به مصرف مواد، نتیجه تعامل پویای مجموعه‌ای از عوامل محیطی و فردی است و ارتباط طیف گسترده‌ای از عوامل زمینه‌ساز ژنتیکی، روان‌شناختی، خانوادگی و اجتماعی سبب گرایش به مصرف مواد می‌شود. پژوهش‌های گوناگون نشان داده است که علل گرایش به مصرف مواد را می‌توان در سه سطح کلان، میانی و خرد جست‌وجو کرد. برای بررسی علل گرایش به مصرف مواد در سطح کلان، معمولاً به عوامل ساختاری و نارسایی بخش‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی جامعه توجه می‌شود. در سطح میانی، به روابط فرد با گروه‌های اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و همسالان، که به صورت مستقیم و غیرمستقیم زمینه گرایش فرد به مواد مخدر را فراهم می‌کنند، اشاره می‌شود و سطح خرد، شامل شخصیت و ویژگی‌های فردی است (یحیی‌زاده، ۱۳۸۸).

با توجه به خسارت‌های مالی، جانی و اجتماعی مواد مخدر، تحقیقات گسترده‌ای در جهت شناسایی عوامل مرتبط با آن صورت گرفته است. پژوهشگران به دنبال شناسایی عوامل مؤثر محافظت‌کننده و تسریع‌بخش در پیشگیری از مصوف مواد هستند. یکی از عوامل محافظت‌کننده، که در سطح علل کلان گرایش به مصرف قرار دارد، دین‌داری است. دین به‌عنوان یک سامانه وسیع، که با برنامه‌های جامع برای هدایت بشر است، شامل عناصری از دلبستگی به خدا و نگرش مذهبی است.

کرک پاتریک (Kirkpatrick) (۱۹۹۹)، به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌پردازان در زمینه دلبستگی به خدا معتقد است: دلبستگی به مراقب اولیه در دوران کودکی، با گذشت زمان و در چارچوب نظام‌های دیگر، همانند دلبستگی به خدا و وطن ادامه می‌یابد. آینسورث (Ainsworth) و همکاران (۱۹۷۸)، چهار ملاک برای تکیه‌گاه دلبستگی برمی‌شمارد که از این میان، دو ملاک در مورد خداوند صدق می‌کند. یک،

پیش‌بینی کاهش مصرف مواد در دانش‌آموزان دبیرستانی بر اساس دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی

حسن رضایی جمالویی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، نجف‌آباد، ایران
سعید آریاپوران / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه ملایر
محسن کجویی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت دانشگاه خوارزمی تهران
حسین مرادی / کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات
مهدی طاهری / دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت دانشگاه خوارزمی تهران
دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۶

چکیده

هدف از این پژوهش پیش‌بینی کاهش مصرف مواد در دانش‌آموزان دبیرستانی، بر اساس دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی بود. آزمودنی‌های پژوهش شامل ۶۰۰ دانش‌آموز بودند که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از میان دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهرستان نجف‌آباد (اصفهان) در سال تحصیل ۹۲-۱۳۹۱ انتخاب شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از سیاهه گرایش به مصرف مواد مخدر قربانی، پرسش‌نامه دلبستگی به خدا بک و مک دونالد، پرسش‌نامه نگرش مذهبی سراج‌زاده، پرسش‌نامه حمایت اجتماعی فلمینگ و همکاران و مقیاس هیجان‌خواهی فرم پنجم زاگرن استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد حدود ۴۷ درصد از واریانس گرایش یا عدم گرایش به مصرف مواد توسط دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی و حدود ۵۲ درصد از واریانس گرایش یا عدم گرایش به مصرف مواد توسط مؤلفه‌های توکل به خدا، ماجراجویی یا خطرپذیری، حمایت خانواده و بعد اعتقادی تبیین می‌شود. همچنین ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که دلبستگی به خدا ($r = -0.41$)، نگرش مذهبی ($r = -0.35$)، حمایت اجتماعی ($r = -0.29$) و هیجان‌خواهی ($r = 0.18$) با گرایش به مصرف مواد همبستگی معنی‌داری دارند ($P < 0.05$). با توجه به نقش عوامل و ویژگی‌های مذهبی، خانوادگی و شخصیتی در گرایش به مصرف مواد مخدر، پیشنهاد می‌شود برای پیشگیری از گرایش به مصرف مواد در نوجوانان و جوانان، به تقویت دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و تعدیل هیجان‌خواهی در دانش‌آموزان از سنین پایین پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: گرایش به مصرف مواد، دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی، هیجان‌خواهی، دانش‌آموزان دبیرستانی.

خدا به‌عنوان منبع و مبنای امنیت برای افراد هنگامی که دچار استرس و آشفتگی روانی می‌شوند و دوم، خدا به‌عنوان منبع حمایت‌کننده و مطمئن برای کشف و جست‌وجو در محیط اطراف. بنابراین، می‌توان خداوند را به‌عنوان تکیه‌گاه دلبستگی به حساب آورده و پذیرفت؛ زیرا او دارای همه ویژگی‌های سایر تکیه‌گاه‌های دلبستگی است. بر این اساس، به نظر می‌رسد از دیدگاه روان‌شناسی می‌توان خدا را به‌عنوان موضوع دلبستگی در نظر گرفت که به انسان آرامش و ایمنی می‌بخشد (روات (Rowatt) و کرک پاتریک، ۲۰۰۲). همچنین موجب می‌شود بتواند موقعیت‌های غیرقابل کنترل را تحت کنترل درآورد (فونتولاکیس (Fountoulakis) و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین نتایج پژوهش مت‌برادزهاو (Matt Brdshaw) و همکاران (۲۰۱۰)، نشان داد بین دلبستگی به خدا با وقایع استرس‌آور زندگی و ناراحتی ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد. در معدود پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه ارتباط دلبستگی به خدا، با گرایش به مصرف مواد، سالرنو و بوتون (۲۰۱۰) در پژوهشی نشان دادند که بین دلبستگی به خدا و مصرف الکل رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن، کمتر از آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی اجتنابی و مضطرب - دوسوگرا به مصرف الکل می‌پردازند.

یکی دیگر از عناصر دین‌داری، نگرش مذهبی است؛ نگرش مذهبی، نگرش نظام‌داری از باورها و اعمال نسبت به امور مقدس است. ایستاری است که معطوف به امر مقدس در دو بعد آشنایی و دین‌باوری می‌شود. نگرش به امور ماورایی است که احراز و تقویت آن یگانگی، ثبات، استمرار و پایداری فرد در جامعه را موجب می‌شود (یاوری، ۱۳۸۵). نگرش مذهبی، سبب ارتقا سلامت عمومی، معنابخشی، امید به زندگی، کیفیت زندگی و بهبود ارتباطات اجتماعی می‌شود (هالینگ (Halling) و همکاران، ۲۰۰۷). پژوهش‌های گوناگون، به رابطه نگرش مذهبی و ابعاد و مؤلفه‌های آن با گرایش به مصرف و سوءمصرف مواد پرداخته‌اند. مریل (Merill) و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که سطح بالای دین‌داری در اعضای خانواده و والدین و فراوانی بحث‌های دینی خانوادگی، اثر حمایت‌کننده در مقابل مصرف مواد در نوجوانان و جوانان دارند. نونماکر (Nonnemaker) و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند: دیانت عمومی (حضور در انجمن‌های مذهبی و خیریه) و خصوصی (نماز خواندن و عبادت)، هر دو در برابر مصرف سیگار و مواد نقش محافظت‌کننده دارند و دیانت خصوصی عامل نگه‌دارنده مطمئن‌تری است. فلاویو (Flavio) و همکاران (۲۰۰۵)، در پژوهشی نشان دادند که داشتن نگرش‌ها و باورهای مذهبی با پیشگیری از رفتارهای پرخطر، همانند مصرف سیگار و مواد مخدر رابطه دارد. در

پژوهش سانچز و ناپو (Sanchez & Nappo) (۲۰۰۸)، نشان داده شد که مذهب درمانی در دانش‌آموزان دبیرستانی معتاد، تأثیر مثبتی بر بهبودی در آنان داشته است.

مطالعات مختلف نشان می‌دهد، افرادی که گرایش به مصرف مواد مخدر دارند، از حمایت اجتماعی کمتری برخوردارند و از محوریت‌های اجتماعی رنج می‌برند (تود (Todd) و همکاران، ۲۰۰۴). حمایت اجتماعی عبارت است از: میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک دریافت‌شده از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر اعضای خانواده و دوستان، این حمایت اجتماعی دریافت‌شده، منجر به کاهش فشار روانی در افراد شده و از این طریق، بر سلامت روانی افراد اثر می‌گذارد (سارافینو (Sarafino)، ۲۰۰۲). حمایت اجتماعی مساعدت‌های عاطفی، ابزاری و اطلاعاتی است که توسط دیگران تأمین می‌شود (جرارد (Gerard) و همکاران، ۲۰۰۶)، عاملی برای مقابله با استرس و تنش و افزایش قدرت تصمیم‌گیری است (شولتز و شوارتز، ۲۰۰۴). جباری بیرامی و همکاران (۱۳۸۷)، نشان دادند که معاشرت با دوستان منحرف، گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. کالدی (۲۰۰۳) معتقد است: طرد شدن از سوی خانواده و از دست دادن پایگاه اجتماعی در گرایش به مصرف مواد مؤثر می‌باشد. روهنر (Rohner) و همکاران (۲۰۰۷)، نشان داد بین طرد والدینی و سوءمصرف مواد ارتباط معناداری وجود دارد. وینر و تایلور (Viner & Taylor) (۲۰۰۷) معتقدند: طرد افراد از خانواده و دسترسی نداشتن به فرصت‌های برابر در جامعه، موجب گرایش افراد به اعتیاد می‌شود. کول (Cole) و همکاران (۲۰۱۱)، در پژوهشی نشان دادند افرادی که گرایش به مصرف و سوءمصرف مواد دارند، از سوی اطرافیان طرد می‌شوند و حمایت اندکی از خانواده دریافت می‌کنند.

یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر در گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان، هیجان‌خواهی است. هیجان‌خواهی به صورت نیاز به احساس‌های گوناگون، پیچیده، بدیع، بی‌سابقه و تمایل به مخاطره‌پذیری تعریف شده است (زاگرم، ۱۹۹۶). هیجان‌خواهی عبارت است از: جست‌وجوی احساسات و تجربیات جدید، بدیع، پیچیده و شدید و میل به پذیرش مخاطره‌های جسمی، اجتماعی، قانونی و مالی برای رسیدن به این تجارب (لگراند (Legrand) و همکاران، ۲۰۰۷). از نظر زاگرم (Zuckerman) و همکاران (۱۹۷۸)، هیجان‌خواهی دارای ۴ مؤلفه خطرجویی یا ماجراجویی، تجربه‌جویی، فقدان بازداری و حساسیت نسبت به یکنواختی می‌باشد. فاولس (Fowles) (۲۰۰۰)، در پژوهشی نشان داد که بین هیجان‌خواهی و گرایش به مصرف مواد رابطه وجود دارد. بوتوین و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند: هیجان‌خواهی یکی از ویژگی‌های مهم سوءاستفاده‌کنندگان از مواد است. سیراگگو و

ایسن (Cirakoglu & Isin) (۲۰۰۵)، در پژوهشی نشان دادند بین هیجان‌خواهی و مصرف مواد مخدر رابطه وجود دارد. پاردو (Pardo) و همکاران (۲۰۰۷)، در پژوهش خود نشان دادند که رفتارهای هیجان‌خواهانه در افراد دارای گرایش به سوءمصرف مواد، بیشتر از افراد سالم است. هامپسون (Hampson) و همکاران (۲۰۰۸)، در پژوهشی دریافتند: هیجان‌خواهی، پیوندجویی و تصورات اجتماعی از پیش‌بینی‌کننده‌های سوءمصرف مواد هستند. تونی‌تی و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهشی نشان دادند که بین هیجان‌خواهی و سوءمصرف مواد (مصرف الکل، مواد مخدر و داروهای توهم‌زا) رابطه وجود دارد. لیندگران و همکاران (۲۰۱۰)، در یک پژوهش نشان دادند: هیجان‌خواهی یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم وابستگی به مواد می‌باشد.

گرایش به مصرف مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان و جوانان سراسر جهان رو به فزونی است، به نحوی که یکی از شایع‌ترین اختلالات روان‌پزشکی را در رده سنی نوجوانی و جوانی تشکیل می‌دهد (کاپلان (Kaplan) و همکاران، ۲۰۰۲، ص ۲۸۷؛ موسوی و همکاران، ۱۳۸۲). همین امر، لزوم انجام تحقیقات مختلف پیرامون عوامل مؤثر بر گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان را آشکار می‌سازد. به عبارت دیگر، به دلیل شیوع نسبتاً بالای گرایش به مصرف مواد، آثار مخرب آن و جمعیت هدف جوان، مطالعه درباره گرایش به مصرف مواد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. افزون بر این، انجام هر مطالعه علمی در مورد گرایش به مصرف مواد در نمونه‌های ایرانی، که پیامدهای نظری و عملی به دنبال داشته باشد، شرایط فعلی جامعه از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین، در این پژوهش سعی شده است با یک نگاه جامع‌نگر، رابطه مؤلفه‌های مذهبی از سطح کلان (شامل دلبستگی به خدا و نگرش مذهبی)، مؤلفه‌های خانوادگی - اجتماعی از سطح میانی (حمایت اجتماعی) و مؤلفه شخصیتی از سطح خرد (هیجان‌خواهی) با گرایش دانش‌آموزان نسبت به مواد مخدر بررسی شود. از این‌رو، این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا بین دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی با احتمال گرایش به مصرف مواد مخدر در دانش‌آموزان دبیرستانی رابطه وجود دارد؟ همچنین در این پژوهش، به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر می‌باشیم:

- آیا بین دلبستگی به خدا با گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین نگرش مذهبی با گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین حمایت اجتماعی با گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟
- آیا بین هیجان‌خواهی با گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

- آیا می‌توان گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان را از طریق دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی پیش‌بینی کرد؟

روش پژوهش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: این پژوهش از نوع همبستگی است که ارتباط بین متغیرهای دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی با احتمال گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان دبیرستانی مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه دانش‌آموزان پسر دبیرستان‌های شهرستان نجف‌آباد (اصفهان) در سال تحصیل ۹۲-۱۳۹۱ بود. نمونه شامل ۶۰۰ دانش‌آموز بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. به این ترتیب که ابتدا به صورت تصادفی ۱۰ دبیرستان پسرانه انتخاب شد. سپس، از هر مدرسه ۶ کلاس و از هر کلاس ۱۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب شد.

ابزار پژوهش

سیاهه گرایش نسبت به مصرف مواد مخدر: این سیاهه توسط قربانی (۱۳۸۰) تهیه شده است که گرایش دانش‌آموزان دوره دبیرستانی را نسبت به مواد مخدر می‌سنجد که دارای ۳۰ گویه است. هر گویه بر اساس مقیاس ۴ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالا بیانگر گرایش بیشتر به مصرف مواد مخدر و نمره پایین بیانگر گرایش کمتر به مصرف مواد مخدر است. پایایی سیاهه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ گزارش شده است، اما با رفع نواقص سیاهه در مطالعات بعدی، پایایی آن به ۰/۹۰ ارتقا یافته است (قربانی و فاتحی‌زاده، ۱۳۸۴). **جلالی** (۱۳۹۰)، پایایی سیاهه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ و با روش بازآزمایی به فاصله دو هفته ۰/۷۴ برآورد نمود. **قربانی** (۱۳۸۲)، با استفاده از روایی محتوا و نظر استادان دانشگاه و کارشناسان نشان داد که این مقیاس از روایی مطلوبی برخوردار است. در این پژوهش، ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷ برآورد شده است.

پرسش‌نامه دلبستگی به خدا: این مقیاس، ۲۸ گویه‌ای است که در سال ۲۰۰۴ توسط بک و مک‌دونالد ساخته شده است. این آزمون به صورت لیکرت ۷ گزینه‌ای (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) است که محتوای سؤالات درباره رابطه فرد با خدا بوده و هر شخص با توجه به نوع رابطه خودش با خدا، باید یکی از گزینه‌ها را انتخاب کند. این مقیاس، چهار عامل توجه به خدا، اعتماد در برابر عدم اعتماد، توکل به خدا و ارتباط با خدا را می‌سنجد. بک و مک‌دونالد (Beck & McDonald) (۲۰۰۴)، ضریب پایایی این

سه هفته را ۰/۹۴ گزارش کردند. در پژوهش سلطانی و همکاران (۱۳۸۹)، آلفای کرونیباخ کل پرسش‌نامه ۰/۷۴، ماجراجویی ۰/۵۳، تجربه‌جویی ۰/۶۱، بازداری زدایی ۰/۶۲ و حساسیت نسبت به یکنواختی ۰/۶۷ گزارش شده است.

روش اجرا

برای اجرای پژوهش پس از انتخاب افراد نمونه در مدارس، به این مدارس مراجعه شد و پرسش‌نامه‌ها توزیع گردید. توضیحات لازم درباره هدف پژوهش، موارد مطرح‌شده در پرسش‌نامه‌ها و پاسخ به سؤالات احتمالی دانش‌آموزان در رابطه با پرسش‌نامه‌ها داده شد. سپس از دانش‌آموزان خواسته شد که سؤالات پرسش‌نامه را با دقت پاسخ دهند و تا حد امکان سؤالی را بدون پاسخ نگذارند. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه، به روش ورود مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱. ضریب همبستگی بین دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی با گرایش به مصرف مواد

متغیر	گرایش به مصرف مواد	متغیر	گرایش به مصرف مواد
دلبستگی به خدا	۰/۴۱***	حمایت اجتماعی	۰/۲۹***
توجه به خدا	۰/۱۸***	دوستان	۰/۱۶**
اعتماد در برابر عدم اعتماد	۰/۱۲-	همسایگان	۰/۷-
توکل به خدا	۰/۴۸***	خانواده	۰/۲۸**
ارتباط با خدا	۰/۳۰***	عقیدتی	۰/۱۰-
نگرش مذهبی	۰/۳۵***	عمومی	۰/۰۸-
بعد اعتقادی	۰/۳۸***	هیجان‌خواهی	۰/۱۸***
بعد تجربه‌ای	۰/۱۴-	ماجراجویی یا خطرپذیری	۰/۲۲***
بعد پیامدی	۰/۲۲***	تجربه‌جویی	۰/۱۱
بعد مناسکی	۰/۳۱***	فقدان بازداری	۰/۱۳
		حساسیت نسبت به یکنواختی	۰/۱۶**

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی با گرایش به مصرف مواد همبستگی منفی و معنی‌داری دارند و بین هیجان‌خواهی با گرایش به مصرف مواد همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/001$). همچنین ضرایب همبستگی مؤلفه‌های نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی با گرایش به مصرف مواد در جدول ۱ آمده است.

پرسش‌نامه را به روش آلفای کرونیباخ ۰/۸۳ برآورد کرده‌اند. زاهد بابلان و همکاران (۱۳۹۱)، ضریب پایایی این مقیاس را ۰/۸۵ برآورد کردند. علیایی و همکاران (۱۳۹۰)، برای سنجش روایی همگرایی مقیاس مذکور از مقیاس عزت‌نفس کوپیر/سمیت (۱۹۶۷) استفاده کردند و نشان دادند که این مقیاس دارای روایی مناسب برای استفاده پژوهشگران و متخصصان در ایران است. در این پژوهش، ضریب پایایی به روش آلفای کرونیباخ ۰/۸۱ برآورد شده است.

پرسش‌نامه سنجش نگرش‌های مذهبی (اسلام شیعی): این پرسش‌نامه توسط سرآج‌زاده و بر اساس مدل استارت و کلاک با اسلام، به‌ویژه اسلام شیعی تطبیق داده شده است (ر.ک: شریفی ۱۳۸۱). این پرسش‌نامه، شامل ۲۶ عبارت است که ۴ بعد (زیر مقیاس) دین‌داری شامل بعد اعتقادی - تجربه‌ای، بعد عواطف دینی - پیامدی، بعد دینی - مناسکی و بعد اعمال دینی را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت می‌سنجد. در پژوهش شریفی (۱۳۸۱)، پایایی کل این آزمون به روش دونیم‌سازی و آلفای کرونیباخ ۰/۷۵ و ۰/۸۵ و روایی آن ۰/۴۵ برآورد شده است. همچنین پایایی و روایی همه ابعاد این پرسش‌نامه، مطلوب گزارش شده است. در این پژوهش، ضریب پایایی به روش آلفای کرونیباخ ۰/۸۵ برآورد شده است.

پرسش‌نامه حمایت اجتماعی: این پرسش‌نامه دارای ۲۷ سؤال است که توسط فلمینگ (Fleming) و همکاران (۱۹۸۲) ساخته شده است. این پرسش‌نامه، شامل ۵ مقیاس فرعی حمایت دوستان، حمایت همسایگان، حمایت خانواده، حمایت عمومی و حمایت عقیدتی می‌باشد. روش نمره‌گذاری گزاره‌های این پرسش‌نامه، به صورت دو گزینه‌ای (درست و غلط) است. ضریب پایایی این مقیاس، با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۶۲ و روایی آن ۰/۸۹ گزارش شده است (فلمینگ و همکاران، ۱۹۸۲). در پژوهش هومن و لیوارجانی (۱۳۸۷)، به بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و هنجاریابی مقیاس حمایت اجتماعی فلمینگ و همکاران در میان دانش‌آموزان مقطع دبیرستان پرداخته شده است و ضریب پایایی (اعتبار) با روش آلفای کرونیباخ ۰/۸۲ و روایی با استفاده از آزمون KMO ۰/۶۵ برآورد شده است.

مقیاس هیجان‌خواهی فرم پنجم زاکرمن: این مقیاس، دارای ۴۰ گزاره است که توسط زاکرمن (۱۹۷۸) ساخته شده است. این مقیاس از ۴ عامل فرعی خطرجویی یا ماجراجویی، تجربه‌جویی، فقدان بازداری و حساسیت نسبت به یکنواختی تشکیل شده و برای هر یک از این عوامل ۱۰ گزاره در نظر گرفته شده است که هر گزاره آن، از سؤال‌های دویخشی تشکیل شده است، به‌طوری‌که هر آزمودنی می‌تواند یکی از آنها را انتخاب کند. نمره خام هر آزمودنی، در هر مقیاس بین صفر تا ده و در کل آزمون بین صفر تا ۴۰ است. زاکرمن و همکاران (۱۹۷۸) پایایی درونی مقیاس را ۰/۸۳ تا ۰/۸۶ و ضریب بازآزمایی بعد از

جدول ۲. خلاصه نتایج مدل رگرسیون چندمتغیری برای پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد از طریق متغیرهای

دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی

مدل	SS	Df	MS	F	P		
رگرسیون	۱۳۰۵/۵۶	۴	۳۲۴/۱۱				
باقی‌مانده	۱۳۱۵/۸۳	۲۸۶	۲۳/۲۸	۹/۴۳	۰/۰۰۱		
متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	SE	B	Beta	T	(P)
دلبستگی به خدا	۰/۵۴۶	۰/۳۵۳	۰/۱۸۰	-۰/۳۴۸	-۰/۴۴۴	-۰/۵۹	۰/۰۰۰
نگرش مذهبی	۰/۵۹۹	۰/۳۸۹	۰/۲۱۳	-۰/۵۸۳	-۰/۳۴۶	-۲/۹۳	۰/۰۰۰
حمایت اجتماعی	۰/۶۹۷	۰/۴۲۳	۰/۱۹۸	-۰/۳۴۹	-۰/۲۰۵	-۱/۷۶	۰/۱۰۱
هیجان‌خواهی	۰/۷۰۸	۰/۴۷۳	۰/۶۰۴	۰/۱۷۴	۰/۱۷۱	۰/۴۶	۰/۲۷

برای تعیین قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده گرایش به مصرف مواد از طریق متغیرهای دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج نشان داد که میزان F مشاهده شده معنی‌دار است ($P < ۰/۰۰۱$) و حدود ۴۷ درصد از واریانس گرایش به مصرف مواد، توسط دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی تبیین می‌شود. با توجه به مقادیر بتا دلبستگی به خدا ($\beta = -۰/۴۴$)، نگرش مذهبی ($\beta = -۰/۳۴$) حمایت اجتماعی ($\beta = -۰/۲۰$) و هیجان‌خواهی ($\beta = ۰/۱۷$) به ترتیب تغییرات مربوط به گرایش به مصرف مواد را به طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۳. خلاصه نتایج مدل رگرسیون چندمتغیری برای پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد از طریق مؤلفه‌های متغیرهای

دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی

مدل	SS	df	MS	F	P		
رگرسیون	۱۷۴۳/۴۵	۴	۵۴۲/۱۴				
باقی‌مانده	۲۰۱۸/۷۶	۲۸۶	۳۴/۳۹	۱۲/۳۱	۰/۰۰۱		
متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	SE	B	Beta	T	(P)
توکل به خدا	۰/۵۷۰	۰/۳۲۴	۱/۳۴	-۷/۹۴۵	-۰/۴۵۳	-۵/۸۰۵	۰/۰۰۰
بعد اعتقادی	۰/۶۸۶	۰/۴۳۶	۰/۳۱۲	-۱/۴۰۲	-۰/۳۹۸	-۳/۶۶۱	۰/۰۰۰
حمایت خانواده	۰/۷۱۳	۰/۴۹۳	۰/۶۶۱	-۱/۲۶۹	-۰/۱۹۴	۱/۲۴۱	۰/۰۱۹
ماجرای جویی یا خطرپذیری	۰/۷۳۴	۰/۵۲۲	۱/۷۲۷	۳/۲۳۴	۰/۱۸۲	۰/۹۹۴	۰/۱۹۶

برای تعیین قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده گرایش به مصرف مواد مخدر از طریق مؤلفه‌های دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد. نتایج

نشان داد که میزان F مشاهده شده معنی‌دار است ($P < ۰/۰۰۱$) و حدود ۵۲ درصد از واریانس گرایش به مصرف مواد توسط مؤلفه‌های نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی تبیین می‌شود. با توجه به مقادیر بتا بعد توکل به خدا ($\beta = -۰/۴۵$)، بعد اعتقادی ($\beta = -۰/۳۹$) حمایت خانواده ($\beta = -۰/۱۹$) و ماجراجویی یا خطرپذیری ($\beta = ۰/۱۸$) به ترتیب تغییرات مربوط به گرایش به مصرف مواد را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی با احتمال گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان دبیرستانی بود. نتایج پژوهش نشان داد که بین دلبستگی به خدا و مؤلفه‌های توجه به خدا، توکل به خدا و ارتباط با خدا با گرایش به مصرف مواد رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد. دلبستگی به خدا، ۴۴ درصد از واریانس مربوط به گرایش به مصرف مواد را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. این نتایج، همسو با یافته‌های (سالرنو و بوتون، ۲۰۱۰) می‌باشد. سالرنو و بوتون (Salerno & Bottoms) (۲۰۱۰)، با بررسی ۴۲۹ دانشجو از مذاهب کاتولیک، یهود، مسیحی، مسلمان، پروتستان، هندی و غیرمذهبی، نشان دادند بین دلبستگی به خدا با مصرف الکل رابطه منفی وجود دارد. آنها معتقدند: دلبستگی به خدا موجب می‌شود مردم هیجان‌های منفی خود را در یک راه سالم تنظیم کنند و افراد فاقد دلبستگی به خدا، به دلیل ترس از رها شدن توسط خدا به مصرف مواد مخدر و الکل می‌پردازند. در تبیین این یافته می‌توان گفت: دانش‌آموزان با دلبستگی بالا به خدا، به دلیل برخورداری از منابع حمایتی، توانایی بیشتری برای مقابله با مشکلات دارند. در بین این دانش‌آموزان، خدا به عنوان منبع دلبستگی زمینه‌ای فراهم می‌کند که احساس ایمنی بیشتری نموده و از این طریق، توان مقابله بالاتری با مشکلات روان‌شناختی و جسمانی داشته باشند و در برابر مشکلات، کمتر به مصرف مواد گرایش پیدا کنند. در واقع، دانش‌آموزانی که نسبت به خدا دلبستگی دارند، به دلیل پذیرش خداوند به عنوان تکیه‌گاه امن، احساس توانایی بیشتری در قبال مشکلات دارند و کمتر به راه‌های نادرست، همانند مصرف مواد گرایش پیدا می‌کنند. در همین راستا، گراهام (Graham) و همکاران (۲۰۰۱) معتقدند: کسانی که اعتقادات مذهبی قوی‌تری دارند، در برابر استرس مصونیت بیشتر و سلامت بالاتری دارند و از طریق اتکا به خداوند، می‌توانند موقعیت‌های غیرقابل کنترل را تحت کنترل درآورند.

نتایج پژوهش نشان داد که بین نگرش مذهبی و مؤلفه‌های اعتقادی، مناسکی و پیامدی با گرایش به مصرف مواد رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد و نگرش مذهبی، ۳۵ درصد از واریانس مربوط به گرایش به مصرف مواد را به طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. این نتایج، همسو با یافته‌های میلر (Merill) و همکاران (۲۰۰۰)، ویلز و همکاران (۲۰۰۳) فلاویو و همکاران (۲۰۰۵)، سانچز و همکاران (۲۰۰۸) می‌باشد. میلر و همکاران (۲۰۰۰)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نوجوانانی که مذهبی نیستند و نمرات پایینی در اندازه‌گیری فعالیت‌های مذهبی به دست می‌آورند، در مقایسه با نوجوانان برخوردار از سطح بالای فعالیت‌های مذهبی، سوء مصرف مواد بیشتری تجربه می‌کنند. از نظر اسمیت (Smith) (۲۰۰۳)، دین از طریق برقراری یک نظم اخلاقی، تدارک فرصت‌هایی برای به دست آوردن شایستگی‌ها، تهیه قوانین اجتماعی، تهیه راهنمایی‌ها یا قواعد خاص اخلاقی به منظور کنترل خویشتن، وضع قوانینی برای ممنوع اعلام نمودن مصرف مواد، آموزش مهارت‌ها و دانش‌ها به فرد در طول زندگی و تسهیل تجربه معنوی گرایش به مصرف مواد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سلیرمن (۲۰۰۵)، معتقد است: مذهب می‌تواند منبع عظیم و بی‌نظیری برای سیستم معنادهی فرد (شامل باورها، وابستگی‌ها، انتظارات و اهداف به عنوان نقطه مرکزی هیجان‌ات و اعمال فرد) باشد. این سیستم معنایی، به فرد اجازه می‌دهد که به جهان اطراف خود معنا دهد و بر اساس این معنادهی، به انتخاب هدف و سپس عمل و رفتار مبتنی بر اهداف انتخاب شده بپردازد. همچنین این سیستم معنایی، می‌تواند مانع از خطرپذیری و هیجان‌خواهی و به تبع آن کاهش گرایش به مصرف مواد توسط فرد گردد. بنابراین، می‌توان گفت: چنانچه فرد دارای نگرش مذهبی باشد، به تبع آن معنایی که به خود و جهان اطرافش می‌دهد، توأم با احساس ارزشمندی و هدفمندی است. از این رو، احتمال کمتری وجود دارد که به اقداماتی نظیر گرایش به مصرف مواد دست زند که به احساس ارزشمند بودنش آسیب برساند و یا آنکه مانع از رسیدن به اهدافش گردد. از سوی دیگر، مذهب به واسطه نقش مقابله‌ای در برابر فشارهای روانی، می‌تواند از گرایش به مصرف مواد پیشگیری نماید؛ چراکه باورهای شناختی افراد متدین نظیر اعتقاد به اینکه خداوند در سختی‌ها به انسان کمک می‌کند، انسان را آزاد و مسئول رفتار خودش آفریده است و یا احساس اطمینان و آرامش از طریق نیایش، بر واکنش فرد متدین در مقابله با فشار روانی تأثیر می‌گذارد.

نتایج پژوهش نشان داد که بین حمایت اجتماعی و مؤلفه‌های دوستان و خانواده با گرایش به مصرف مواد رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد و حمایت اجتماعی، ۲۹ درصد از واریانس مربوط به گرایش به مصرف مواد را به طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. این نتایج، همسو با یافته‌های روهنر

(۲۰۰۷)، وینر و همکاران (۲۰۰۷)، کول و همکاران (۲۰۱۱) می‌باشد. این نتایج، نشان می‌دهد وقتی دانش‌آموزان توسط والدین و دوستان خود مورد حمایت قرار نگیرند، احتمالاً به مصرف مواد گرایش پیدا می‌کنند. موری و همکاران (۲۰۰۲)، بر پایه مدل کنترل/حمایت جانسون و کاراسک (۱۹۹۰) معتقدند که حمایت اجتماعی یک مکانیسم ضربه‌گیر بین استرس‌های روان‌شناختی و پیامدهای نامطلوب سلامت است. حمایت اجتماعی، به‌ویژه زمانی که افراد با چالش‌های نامطلوب زندگی روبه‌رو هستند، می‌تواند به صورت یک سپر محافظتی قوی در برابر استرس‌های روان‌شناختی عمل کرده و به‌گونه‌ای غیرمستقیم، مانع از اقدام به مصرف مواد می‌گردد. همچنین استرنبرگ و مانهام (Steinberg & Monahan) (۲۰۰۷)، معتقدند که افراد در هیچ مقطع سنی به اندازه سنین نوجوانی تحت تأثیر فشار همسالان قرار ندارند. در دوره نوجوانی، بیش از هر سن دیگری نوجوانان از خانه فاصله می‌گیرند و بیشتر با گروه همسالان روبه‌رو می‌شوند. از آنجاکه از پختگی لازم برای مقابله با فشارها برخوردار نیستند، ممکن است با فشارهای مزبور به صورت منفی برخورد کنند و تحت تأثیر رفتارهای منفی و آسیب‌زا قرار بگیرند و به مصرف مواد گرایش پیدا کنند.

نتایج پژوهش نشان داد که بین هیجان‌خواهی و مؤلفه‌های ماجراجویی یا خطرپذیری و حساسیت نسبت به یکنواختی با گرایش به مصرف مواد رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. هیجان‌خواهی، ۱۸ درصد از واریانس مربوط به گرایش به مصرف مواد را به‌طور معنی‌داری پیش‌بینی می‌کند. این نتایج، همسو با یافته‌های هامپسون و همکاران (۲۰۰۸)، تونی‌تی و همکاران (۲۰۱۰)، لیندگرام و همکاران (۲۰۱۰) می‌باشد. لیندگرام و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهشی نشان دادند که هیجان‌خواهی پیش‌بینی‌کننده وابستگی به مواد می‌باشد؛ هرچه سطح هیجان‌خواهی در افراد بالاتر باشد، گرایش بیشتری به مصرف و سوء مصرف مواد مخدر دارند. بر طبق آنچه زاگرمین و همکاران (۱۹۷۸) مؤلفه‌های هیجان‌خواهی می‌داند، دانش‌آموزانی که سطح هیجان‌خواهی آنان بالاست، به دلیل میل به تجربه سطوحی از خطرجویی و ماجراجویی برای افزایش شادی و احساس کسالت از فعالیت‌ها و برنامه‌های یکنواخت زندگی به مصرف مواد گرایش پیدا می‌کنند. در همین زمینه، بانکروف (Bancroft) و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند: هیجان‌خواهی موجب افزایش خطرپذیری در جهت کسب لذت می‌شود، به‌گونه‌ای که آنها در جهت کسب لذت و رفع یکنواختی به مصرف مواد یا سایر رفتارهای پرخطر گرایش پیدا می‌کنند. از سوی دیگر، آنها خطرات و پیامدهای منفی گرایش به این‌گونه رفتارها را برای خود کم، ناچیز و بسیار پایین‌تر از میزان واقعی آن ارزیابی می‌کنند و خود را در مقابل خطرات قوی و مصون می‌پندارند.

به‌طور کلی، می‌توان گفت: با توجه به تنوع‌طلبی، مخاطره‌جویی و حساسیت نسبت به یکنواختی افراد هیجان‌خواه در صورتی که شرایط مناسب جهت تجربه هیجان و تخلیه انرژی این افراد فراهم نباشد، گرایش به مصرف مواد در آنها افزایش می‌یابد. در شهرهایی که امکان گذراندن اوقات فراغت به خوبی فراهم نیست، این افراد بیشتر در معرض استفاده از روش‌های غیرمنطقی، همانند گرایش به مصرف مواد برای کسب هیجان می‌باشند.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که حدود ۷۷ درصد از واریانس گرایش به مصرف مواد توسط دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی و ۵۲ درصد از واریانس گرایش به مصرف مواد توسط مؤلفه‌های بعد اعتقادی، بعد مناسکی، حمایت خانواده و تازگی تبیین می‌شود. این موضوع، بیانگر اهمیت متغیرهای مورد مطالعه است که حدود نیمی از واریانس گرایش به مصرف مواد را تبیین می‌کنند.

به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش بیانگر وجود ارتباط نسبتاً قوی بین دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی با گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان دبیرستانی است، به‌گونه‌ای که تقریباً نیمی از علل گرایش به مصرف مواد را می‌توان در مؤلفه‌های فوق جست‌وجو کرد. بر اساس این نتایج، با داشتن یک دید جامع‌نگر و کلی در تربیت دانش‌آموزان و پرورش همه‌جانبه آنها در همه ابعاد و سطوح یعنی سطح کلان و بعد فرهنگی - عقیدتی (شامل دلبستگی به خدا و نگرش مذهبی)، سطح میانی و بعد اجتماعی - خانوادگی (حمایت اجتماعی) و سطح خرد و بعد شخصیتی (هیجان‌خواهی)، می‌توان از گرایش به مصرف مواد در دانش‌آموزان تا حد زیادی پیشگیری نمود.

از محدودیت‌های پژوهش، می‌توان به دامنه سنی محدود، استفاده صرف از مقیاس‌های خودگزارش‌دهی و عدم مقایسه جنسیتی، اشاره کرد که تعمیم‌پذیری نتایج را با محدودیت مواجه ساخته است. از این رو، پیشنهاد می‌شود با استفاده از مطالعه طولی رابطه متغیرهای فوق بررسی شود تا تعمیم‌پذیری بیشتری برای یافته‌های این پژوهش تأمین شود. همچنین پیشنهاد می‌شود رابطه متغیرهای فوق در دانش‌آموزان دختر و مقاطع تحصیلی دیگر بررسی شود.

یافته‌های این پژوهش، می‌تواند برای تدوین محتوای آموزشی و تهیه خطوط راهنمای مددکاران اجتماعی، مشاوران و سایر متخصصانی که در مدارس و در ارتباط با دانش‌آموزان فعالیت می‌کنند، مورد استفاده قرار گیرد. همچنین بخشی از این یافته‌ها می‌تواند برای رفع نیازهای آموزشی متخصصانی که با

افراد وابسته به مواد مخدر کار می‌کنند، مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، بر اساس نتایج این پژوهش پیشنهادات کاربردی زیر ارائه می‌گردد:

- با توجه به نقش محافظ دین‌داری در مقابل گرایش به مصرف مواد به والدین و مراکز آموزش و پرورش، پیشنهاد می‌شود با روش‌های مورد قبول نوجوانان و جوانان به تقویت باورهای دینی در افراد در معرض خطر برای مصرف مواد پرداخته شود تا احتمال گرایش آنها به مصرف مواد کمتر شود.

- سیستم‌های فرهنگی - عقیدتی (دلبستگی به خدا و نگرش مذهبی)، اجتماعی - خانوادگی (حمایت اجتماعی) و شخصیتی (هیجان‌خواهی) در دانش‌آموزان مستعد به مواد شناسایی و تقویت شده و موجب کاهش گرایش این افراد به سوی مصرف مواد شود.

- اقدامات مناسب و مورد نیاز برای کاهش عوامل خطر (دلبستگی به خدا، نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی) در بین دانش‌آموزان توسط خانواده و مسئولان برنامه‌ریزی و اجرا شود.

- دانش‌آموزان مستعد و دانش‌آموزانی که گرایش به مصرف مواد مخدر دارند، شناسایی و مورد مشاوره فردی و خانوادگی قرار گیرند.

- اجرای برنامه‌های آموزشی، تفریحی و ایجاد نشاط، همراه با تقویت زمینه‌های مذهبی در دانش‌آموزان برای پیشگیری از گرایش به مواد مخدر.

- برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی برای تقویت مؤلفه‌های دلبستگی به خدا و نگرش مذهبی، حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی در همه دانش‌آموزان، با توجه به سهم ۷۷ درصدی مؤلفه‌های ذکر شده در پیش‌بینی گرایش به مصرف مواد.

- همچنین به متخصصان و روان‌درمانگران ترک اعتیاد، پیشنهاد می‌شود در کنار روش‌های معمول، از طریق تقویت باورهای دینی و دلبستگی به خدا به کاهش وابستگی به مواد در درمانجویان کمک کنند.

- به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سازمان بهزیستی و مسئولان مراکز درمانی معتادان، پیشنهاد می‌شود از یافته‌های این پژوهش برای بازبینی برنامه‌های گذشته و طراحی برنامه‌های جدید برحسب مؤلفه‌های فوق استفاده نمایند.

منابع

- بشیریان، سعید و همکاران، ۱۳۹۱، «کاربرد تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده در پیش‌بینی فاکتورهای مؤثر بر سوء مصرف مواد در نوجوانان»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی فسا*، سال دوم، ش ۳، ص ۱۵۶-۱۹۲.
- جبّاری بیرامی، حسین و همکاران، ۱۳۸۷، «نگرش و رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان تبریز در ارتباط با مواد مخدر»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش ۳، ص ۳۵۰-۳۵۴.
- جلالی، داریوش، ۱۳۹۰، «اثربخشی پیش‌گیری سرویس پیام کوتاه بر نگرش و خود کارآمدی دانش‌آموزان نسبت به گرایش به مصرف مواد مخدر»، *فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، سال اول، ش ۳، ص ۹۳-۱۱۱.
- زاهد بایلان، عادل و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان»، *دانش و پژوهش دانشگاه آزاد واحد خوراسگان*، سال سیزدهم، ش ۳ (۴۹)، ص ۷۵-۸۵.
- سلطانی، مه‌ری و همکاران، ۱۳۸۹، «رابطه هویت و هیجان‌خواهی با اعتیاد اینترنتی»، *علوم رفتاری*، دوره چهارم، ش ۳، ص ۱۹۱-۱۹۷.
- شرفی، طیبه، ۱۳۸۱، «بررسی رابطه نگرش دینی با سلامت عمومی، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز».
- شولتز، دوان و سیدنی آلن شولتز، ۱۳۸۳، «نظریه‌های شخصیت» ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
- علیایی، زهرا و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی روایی و پایایی مقیاس دلبستگی به خدا»، *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال دوم، ش ۲، ص ۶۵-۸۱.
- فرانکن، رابرت، ۱۳۸۴، «انگیزش و هیجان» ترجمه حسن شمس اسفندآباد و همکاران، تهران، نی.
- قربانی، بیژن و مریم فاتحی‌زاده، ۱۳۸۴، «اثربخشی تغییر نگرش، آموزش ابراز وجود و ایمن سازی در مقابل استرس در کاهش گرایش به مواد مخدر در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، ش ۲۵۷، ص ۷۷-۸۵.
- قربانی، بیژن، ۱۳۸۰، «تأثیر روش‌های تغییر نگرش و ابراز وجود بر گرایش به عدم مصرف مواد مخدر در معنادان داوطلب استان اصفهان».
- ، ۱۳۸۲، «بررسی اثربخشی ایمن‌سازی روانی بر کاهش گرایش به مواد مخدر در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان».
- سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان.
- موسوی، سیدغفور و همکاران، ۱۳۸۳، «ارتباط استعمال سیگار و سایر مواد مخدر در دانش‌آموزان و دانشجویان با والدین آنها»، *پژوهش در علوم پزشکی*، دوره هشتم، ش ۳، ص ۵۷-۵۹.
- نجفی، کیومرث و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی شیوع مصرف مواد در دانش‌آموزان دبیرستانی استان گیلان در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی گیلان*، دوره شانزدهم، ش ۶۲.
- هومن، حیدرعلی و شعله لیوارجانی، ۱۳۸۷، «بررسی اعتبار، روایی و هنجاریابی پرسش‌نامه حمایت اجتماعی SSQ برای دانش‌آموزان مقطع متوسطه».
- تشریح علوم تربیتی دانشگاه آزاد تبریز، ش ۱، ص ۱۴۷-۱۶۲.
- یآوری، فاطمه، ۱۳۸۵، «تأثیر فیلم‌های معناگرا با توجه به شاخص‌های شخصیتی بر نگرش مذهبی و احساس معنابخش بودن زندگی در دانشجویان مقطع کارشناسی».
- پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- یحیی‌زاده، حسین، ۱۳۸۸، «تأثیر عوامل خانوادگی بر گرایش افراد به سوء مصرف مواد مخدر»، *پژوهش اجتماعی*، سال دوم، ش ۵، ص ۱۲۳-۱۴۲.
- Ainsworth, M. D. S, & et al, ۱۹۷۸, *Patterns of attachment: A psychological study of the strange situation*, Hillsdale, NJ:
- Erlbaum.
- Bancroft, J, & et al, ۲۰۰۳, Sexual Risk-Taking in Gay Men: The Relevance of Sexual Reusability, Mood, and Sensation Seeking, *Archives of Sexual Behavior*, v. ۳۲ (۶), p. ۵۵۵-۵۷۲.
- Beck, R, & McDonald, A, ۲۰۰۴, Attachment to God: The Attachment to God inventory, tests of working model correspondence, and an exploration of Faith group differences, *Journal of Psychology and theology*, v. ۳۲, N. ۲, p. ۹۲-۱۰۳.
- Botvin, G. J, & Griffin, K. W, ۲۰۰۴, Life skills training: empirical findings and Future directions, *The Journal of primary Prevention*, v. ۲۵, p. ۲۱۱-۲۳۳.
- Botvin, G. J, ۲۰۰۰, Preventing drug abuse in schools: social and competence enhancement approaches targeting individual-level etiological factors, *Addictive Behaviors*, v. ۲۵, p. ۸۸۷-۸۹۷.
- Cirakoglu, O. C, & Isin, G, ۲۰۰۵, Perception of drug addiction among Turkish university students, *Addictive Behaviors*, v. ۳۰, p. ۱-۸.
- Cole, J, & et al, ۲۰۱۱, Social exclusion, Personal control, Self-regulation, and Stress among Substance Abuse Treatment Clients, *Drug and Alcohol Dependence*, v. ۱۱۳, p. ۱۳-۲۰.
- Corulla, W. J, ۱۹۸۷, A psychometric investigation of the Eysenck Personality Questionnaire (revised) and its relationship to the ۱,۷ Impulsiveness Questionnaire, *Personality and Individual Differences*, v. ۸, p. ۶۵۱-۶۵۸.
- Flavio F. M, & et al, ۲۰۰۵, God forbid!: Substance use among religious and nonreligious youth, *American Journal of Orthopsychiatry*, v. ۷۵, p. ۵۸۵-۵۹۸.
- Fleming, R, & et al, ۱۹۸۲, Mediating in Flounces of Social Support on Stress at Three Mile, *Island Journal of Human Stress*, v. ۸ (۳), p. ۱۴-۲۱.
- Fountoulakis, K, N, & et al, ۲۰۰۸, Late-Life depression, religiosity, cerebral vascular disease, Cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly: Interpreting the data, *Medical hypotheses*, v. ۷۰, p. ۴۹۳-۴۹۶.
- Fowles, D. C, ۲۰۰۰, Electro dermal hypo reactivity and antisocial behavior: does anxiety mediate the relationship? *Journal of Affective Disorders*, v. ۶۱ (۲,۳), p. ۱۷۷-۱۸۹.
- Gerard, J. M, & et al, ۲۰۰۶, Grandparents raising grandchildren: The role of social support in coping with caregiver challenges, *International Journal of Aging and Human Development*, v. ۶۲ (۴), p. ۳۵۹-۳۸۳.
- Graham, S, & et al, ۲۰۰۱, Religion and Spirituality in Coping with Stress, *Counseling and Values*, v. ۴۶ (۱), p. ۲-۱۳.
- Halling, A, & et al, ۲۰۰۷, General health ۱۱. and tobacco habits among middle-aged Swedes, *The European Journal of Public Health*, v. ۱۷ (۲), p. ۱۵۱-۱۵۴.
- Hampson, S. E, & et al, ۲۰۰۸, Childhood predictors of adolescent marijuana use: Early sensation-seeking, deviant peer affiliation, and social images, *Addictive Behaviors*, v. ۳۳ (۹), p. ۱۱۴۷-۱۱۴۷.
- Kaldi AR, ۲۰۰۳, The role of internal and external locus of control in relapse of addiction in occupational therapy camp of

- ۴۲, p. ۱۷-۳۰.
- Steinberg, L., & Monahan, K. C., ۲۰۰۷, Age differences in resistance to peer influence, *Developmental Psychology*, v. ۴۳, p. ۱۵۳۱-۱۵۴۳.
- Todd, J., & et al, ۲۰۰۴, Social exclusion in clients with co morbid mental health and substance misuse problems, *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, v. ۳۹ (۷), p. ۵۸۱-۵۸۷.
- Tonetti, L., & et al, ۲۰۱۰, Morningness-eveningness preference and sensation seeking, *European Psychiatry*, v. ۲۵ (۲), p. ۱۱۱-۱۱۵.
- Viner, R. M., & Taylor, B., ۲۰۰۷, Adult outcomes of binge drinking in adolescence: findings from a UK national birth cohort, *Journal of Epidemiology and Community Health*, v. ۶۱ (۱۰), p. ۹۰۲-۹۰۷.
- Zuckerman, M., & et al, ۱۹۷۸, Sensation Seeking in England and American Cross-cultural Age ^ Comparisons, *Journal of Clinical Psychology*, v. ۴۶, p. ۱۳۹-۱۴۹.
- Zuckerman, M., ۱۹۹۴, Behavioral expressions and biosocial bases of sensation seeking, New York, Cambridge University Press.
- Zuckerman, M., ۱۹۹۶, The psychological model for impulsive unsocialized sensation seeking: A comparative approach, *Neuropsychobiology*, v. ۳۴ (۳), p. ۱۲۵-۱۲۹.
- Zanjan, *Social Welfare Quarterly*, v. ۳(۹), p. ۳۰۷-۳۳۱.
- Kaplan, HI, & et al, ۲۰۰۲, Synopsis of psychiatry ۶th, Williams & Wilkins, Philadelphia.
- Kirkpatrick, L. A., ۱۹۹۹, *Attachment and religious representations and behavior. In J. Cassidy & P. R. haver* (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. ۸۰۳-۸۲۲). New York: Guilford.
- Legrand, F.D., & et al, ۲۰۰۷, Association between sensation seeking and alcohol consumption in French college students: some ecological data collected in "open-bar" parties, *Personality and individual differences*, v. ۴۳, p. ۱۹۵۰-۱۹۵۹.
- Lindgren, K. P., & et al, ۲۰۱۰, Curiosity killed the cocktail? Curiosity, sensation seeking, and alcohol-related problems in college women, *Addictive Behaviors*. In Press.
- Matt Brdshaw, A., & et al, ۲۰۱۰, Attachment To God, Images of God, and psychological Distress in a Nationwide sample of Presbyterians, *International Journal for the psychology of Religion*, v. ۲۰(۲), p. ۱۳۰-۱۴۷.
- Merill, R. M., & et al, ۲۰۰۱, Relationship between family religiosity and drug use behavior among youth, *Social behavior and personality*, v. ۲۹, p. ۳۴۷-۳۵۷.
- Mori, M., & et al, ۲۰۰۲, Sex- role orientation, mental status and mental health in working women, *Archives of women s mental health*, v. ۵, p. ۱۶۱-۱۷۶.
- Nonnemaker, J. M., & et al, ۲۰۰۳, Public and private domains of religiosity and adolescent health risk behaviors: Evidence from the national longitudinal study of adolescent health, *Social Science & Medicine*, v. ۵۷, p. ۲۰۴۹-۲۰۵۴.
- Pardo, Y., & et al, ۲۰۰۷, Alcohol use as a behavioral sign of disinheriting: Evidence from J. A. Gray, s model of personality, *Addictive Behaviors*, v. ۳۲ (۱۱), p. ۲۳۹۸-۲۴۰۳.
- Rohner, R. P., & et al, ۲۰۰۷, Introduction to Parental Acceptance- Rejection Theory, Methods, Evidence, And Implications, University of Connecticut.
- Rowatt, W. C., & Kirkpatrick, L. A., ۲۰۰۲, Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. ۴۱(۴), p. ۶۳۷-۶۵۱.
- Salerno JM, & Bottoms BL, ۲۰۱۰, Attachment to God, Spiritual Coping, and Alcohol Use, *The International Journal for the Psychology of Religion*, v. ۲۰, P. ۹۷-۱۰۸.
- Sanchez, Z., & Nappo, S. A ۲۰۰۸, Religious treatments for drug addiction, *Social Science & Medicine*, v. ۶۷, p. ۶۳۸-۶۴۶.
- Sarafino, E.P., ۲۰۰۲, Health Psychology Bio psychosocial Interactions, John wiley & sons Inc. Strobe W, Zech E, Strobems, abkoumkong. (۲۰۰۵). Dose social support help in bereavement? *Journal of social and clinical Psychology*, v. ۲۴(۷), p. ۱۰۳۰-۱۰۵۰.
- Schulz, U., & Schwartzberg, R., ۲۰۰۴, Long- term effects of spousal support on coping with cancer after surgery, *Journal of Social and Clinical Psychology*, v. ۲۳(۵), p. ۷۱۶-۷۳۲.
- Schulz, U., & Schwartzberg, R., ۲۰۰۴, Long- term effects of spousal support on coping with cancer after surgery, *Journal of Social and Clinical Psychology*, v. ۲۳(۵), p. ۷۱۶-۷۳۲.
- Silberman, I., ۲۰۰۵, Religion as a meaning system: implications for the new millennium, *Journal of social issues*, v. ۶۱ (۴), p. ۶۴۱-۶۶۳.
- Smith, C., ۲۰۰۳, Theorizing religious effects among American adolescents, *Journal for the scientific study of religion*, v.